

A Comparative Study of Types of Damages Arising from Non-Performance of Obligations in the Legal Systems of Iran and Egypt

1. Farid Farahmand*: Assistant Professor, Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran. Email: dr.faridfarahmand@pnu.ac.ir (Corresponding Author)

ABSTRACT

The present study examines the types of damages resulting from the non-performance of obligations in the legal systems of Iran and Egypt. Focusing on contractual and non-contractual obligations, this research analyzes the theoretical foundations, research background, methods of compensation, and comparative findings in these two legal systems. The research method is descriptive-analytical and based on documentary and library studies. The findings indicate that in Iranian law, damages arising from non-performance of obligations are mainly compensated based on jurisprudential rules such as the rule of La Zarar (no harm) and causation, whereas in Egyptian law, a combination of jurisprudential rules and codified legal principles, including the Egyptian Civil Code, forms the basis of compensation. This article provides recommendations for harmonizing the procedures of damage compensation in these two legal systems.

Keywords: *Damages, Iranian Law, Egyptian Law*

How to cite: Farahmand, F. (2026). A Comparative Study of Types of Damages Arising from Non-Performance of Obligations in the Legal Systems of Iran and Egypt. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 8(1), 1-15.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 06 April 2025
Revise Date: 24 July 2025
Accept Date: 02 August 2025
Publish Date: 21 March 2026



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

بررسی انواع خسارت‌های ناشی از عدم ایفای تعهد در نظام‌های حقوقی ایران و مصر

۱. فرید فرهمند*: استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. پست الکترونیک: dr.faridfarahmand@pnu.ac.ir (نویسنده مسئول)

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی انواع خسارت‌های ناشی از ایفای تعهد در نظام‌های حقوقی ایران و مصر می‌پردازد. با تمرکز بر تعهدات قراردادی و غیرقراردادی، این پژوهش به تحلیل مبانی نظری، پیشینه تحقیق، روش‌های جبران خسارت و یافته‌های تطبیقی در این دو نظام حقوقی پرداخته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در حقوق ایران، خسارت‌های ناشی از ایفای تعهد عمدتاً بر اساس قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر و تسبیب جبران می‌شود، در حالی که در حقوق مصر، ترکیبی از قواعد فقهی و اصول حقوقی مدون، از جمله قانون مدنی مصر، مبنای جبران خسارت قرار می‌گیرد. این مقاله پیشنهادهایی برای هماهنگ‌سازی رویه‌های جبران خسارت در این دو نظام حقوقی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: خسارت، حقوق ایران، حقوق مصر

نحوه استناددهی: فرهمند، فرید. (۱۴۰۵). بررسی انواع خسارت‌های ناشی از عدم ایفای تعهد در نظام‌های حقوقی ایران و مصر. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۴(۱)، ۱-۱۵.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۷ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۱ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ فروردین ۱۴۰۵



در حقوق مدنی، مفهوم "خسارت ناشی از ایفای تعهد" معمولاً به خسارت‌هایی اشاره دارد که از عملکرد ناقص، تأخیری یا معیوب تعهد قراردادی ناشی می‌شود. اگرچه ایفای کامل و به‌موقع تعهد معمولاً خسارتی به بار نمی‌آورد، اما در موارد نقض تعهد (مانند عدم ایفا، تأخیر در ایفا یا ایفای ناقص)، متعهدله حق مطالبه خسارت دارد. این تحقیق بر اساس بررسی تطبیقی حقوق ایران (مبتنی بر قانون مدنی و فقه امامیه) و حقوق مصر (مبتنی بر قانون مدنی مصر، تحت تأثیر حقوق فرانسه و فقه مالکی) انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو نظام حقوقی بر اصل جبران کامل خسارت تأکید دارند، اما تفاوت‌هایی در انواع خسارت قابل مطالبه، شرایط اثبات و ضمانت‌های اجرایی وجود دارد. این بررسی بر پایه منابع حقوقی معتبر مانند مقالات پژوهشی و قوانین مدنی تدوین شده است.

ایفای تعهد یکی از ارکان اصلی روابط حقوقی در قراردادها و الزامات قانونی است. با این حال، گاهی ایفای تعهد به‌صورت ناقص یا نادرست انجام می‌شود که منجر به ورود خسارت به متعهدله یا اشخاص ثالث می‌گردد. در حقوق ایران، مبنای جبران خسارت بر اصول فقهی و قوانین مدنی استوار است، در حالی که در حقوق مصر، قانون مدنی مصر (۱۹۴۸) و تفاسیر فقهی نقش کلیدی دارند. این پژوهش با هدف مقایسه انواع خسارت‌های ناشی از ایفای تعهد و روش‌های جبران آن در دو نظام حقوقی ایران و مصر انجام شده است تا تفاوت‌ها، شباهت‌ها و راهکارهای بهبود شناسایی شوند.

ایفای تعهد یکی از مفاهیم بنیادین در حقوق قراردادها است که در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله حقوق ایران و مصر، مورد توجه قرار گرفته است. تعهدات قراردادی و قانونی، به‌عنوان ستون اصلی روابط حقوقی میان افراد، مستلزم اجرا و ایفای دقیق هستند. با این حال، در مواردی که ایفای تعهد به‌درستی انجام نشود یا با نقض همراه باشد، خسارات متعددی ممکن است به طرفین قرارداد یا اشخاص ثالث وارد شود. این خسارات می‌توانند شامل خسارات مادی، معنوی یا حتی ترکیبی از هر دو باشند. در حقوق ایران، قانون مدنی و اصول فقهی، به‌ویژه قواعد لاضرر و تسبیب، چارچوب اصلی برای بررسی خسارات ناشی از ایفای تعهد را فراهم می‌کنند (کاتوزیان، ۱۳۹۰). در مقابل، در حقوق مصر، که ترکیبی از فقه اسلامی و نظام حقوقی مدنی فرانسه است، قانون مدنی مصر (قانون شماره ۱۳۱ سال ۱۹۴۸) و تفاسیر قضایی، مبنای تحلیل این خسارات را تشکیل می‌دهند (السنهوری، ۱۹۶۴). این مقاله با هدف بررسی تطبیقی انواع خسارات ناشی از ایفای تعهد در حقوق ایران و مصر، به تحلیل مبانی حقوقی، مصادیق خسارات و سازوکارهای جبران آن در هر دو نظام حقوقی می‌پردازد. با توجه به تفاوت‌های موجود در منابع حقوقی و رویکردهای فقهی و قانونی این دو کشور، این مطالعه تلاش دارد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو نظام را در مواجهه با خسارات ناشی از ایفای تعهد روشن سازد. هدف این پژوهش، ارائه دیدگاهی جامع در خصوص شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو نظام حقوقی در مواجهه با خسارات ناشی از ایفای تعهد است.

مسئله اصلی در موضوع انواع خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد در حقوق ایران و مصر، چگونگی تنظیم تعادلی منصفانه میان حقوق طرفین قرارداد در مواجهه با نقض تعهدات است. با وجود اشتراکات مبنایی میان این دو نظام حقوقی که هر دو بر اصول اسلامی و ضرورت جبران ضرر تأکید دارند، تفاوت‌هایی در شیوه تفسیر و اجرای قواعد مربوط به خسارت مشاهده می‌شود. این تفاوت‌ها به‌ویژه در موضوعاتی همچون شرایط تحقق مسئولیت قراردادی، نحوه ارزیابی خسارت، امکان تعدیل وجه التزام، و قلمرو جبران خسارت‌های معنوی و غیرمستقیم نمود پیدا می‌کنند. مسئله این است که در هر دو نظام، معیارهای صریح و شفاف برای تعیین میزان خسارت و شرایط جبران وجود ندارد، و تکیه بر اصول کلی حقوقی یا فقهی، گاه موجب صدور آرای متناقض می‌شود. از سوی دیگر، در نظام قضایی هر دو کشور، ابزارهای کافی برای ارزیابی

دقیق خسارت یا نظارت بر اجرای تعهدات به‌طور کامل فراهم نیست. این امر می‌تواند موجب بی‌اعتمادی در روابط قراردادی شود، به‌ویژه در حوزه‌های تجاری و اقتصادی که شفافیت و قابلیت پیش‌بینی نتایج، نقش مهمی ایفا می‌کند. در این میان، پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان با تحلیل تطبیقی میان حقوق ایران و مصر، به معیارها و سازوکارهایی دست یافت که ضمن حفظ اصول عدالت و انصاف، از یک‌سو به زیان‌دیده امکان جبران کافی خسارت را بدهد و از سوی دیگر، مانع از تحمیل بار غیرمنصفانه بر طرف متعهد شود. بررسی این مسأله نیازمند تحلیل دقیق مبانی نظری، قوانین مدون، رویه‌های قضایی، و تأثیرات اجتماعی-اقتصادی در هر دو کشور است تا راهکارهایی عملی برای ارتقای نظام حقوقی در این حوزه ارائه شود. در این تحقیق سعی می‌شود که با توجه به نظرات و تعاریف و مقالات علامی راجع به ماهیت ایفاء تعهد و کنکاش در این مسئله و اینکه هیچ گونه تعریف جامعی از این موضوع در حقوق ایران نشده، مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی خسارت ناشی از عدم ایفاء تعهد در حقوق ایران و مصر، تلاش می‌کند به پرسش‌هایی از قبیل شرایط تحقق این خسارت، نحوه ارزیابی و جبران آن، و تأثیر مبانی فقهی و حقوقی بر تفاوت‌های موجود پاسخ دهد. تحلیل این موضوع نه تنها به درک بهتر مفاهیم حقوقی در این دو نظام کمک می‌کند، بلکه می‌تواند راهکارهایی برای بهبود قوانین ملی و تقویت تعاملات حقوقی بین‌المللی ارائه دهد.

مبانی نظری تحقیق

حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، مبنای جبران خسارت ناشی از ایفاء تعهد عمدتاً بر قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر، تسبیب و اتلاف استوار است. ماده ۲۲۶ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد که در صورت عدم ایفاء تعهد یا تأخیر در آن، متعهد مسئول جبران خسارت وارده است، مشروط بر اینکه رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و خسارت احراز شود. خسارت‌ها به دو دسته مادی (مالی) و معنوی تقسیم می‌شوند. خسارت مادی شامل زیان‌های مستقیم و غیرمستقیم، مانند عدم‌النفع، است، در حالی که خسارت معنوی شامل صدمات عاطفی و روانی است.

حقوق مصر

در حقوق مصر، قانون مدنی (قانون شماره ۱۳۱ سال ۱۹۴۸) چارچوب اصلی جبران خسارت را فراهم می‌کند. ماده ۱۶۳ قانون مدنی مصر بیان می‌دارد که هر کس که مرتکب خطا شود و از آن خسارتی به دیگری وارد آید، ملزم به جبران است. در این نظام، خسارت‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: خسارت مادی، خسارت معنوی و خسارت تنبیهی. همچنین، اصل پیش‌بینی‌پذیری خسارت (ماده ۲۲۱) و رابطه سببیت از شرایط اساسی مطالبه خسارت هستند.

مفهوم تعهد و خسارت در حقوق ایران و مصر

تعهد در حقوق ایران و مصر به معنای التزام شخص به انجام یا عدم انجام عملی در قبال دیگری است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۴۵). در حقوق ایران، تعهدات عمدتاً در قانون مدنی (مواد ۲۲۱ تا ۲۳۷) تعریف شده‌اند، در حالی که در حقوق مصر، قانون مدنی مصر (القانون المدنی) مصوب ۱۹۴۸، به‌ویژه مواد ۱۴۷ تا ۱۷۰، چارچوب تعهدات را مشخص می‌کند (Sanhoury, 2012). خسارت ناشی از ایفاء تعهد به زبانی اطلاق می‌شود که در نتیجه نقض یا اجرای ناقص تعهد به متعهدله وارد می‌شود. این خسارت‌ها در هر دو نظام حقوقی به دو دسته کلی مادی و معنوی تقسیم می‌شوند (Emami, 2010; Faraj al-Sadda, 1974).

انواع خسارت ناشی از ایفای تعهد

خسارت مادی:

خسارت مادی شامل زیان‌های مالی است که به دارایی متعهدله وارد می‌شود. در حقوق ایران، ماده ۲۲۱ قانون مدنی به جبران خسارت مادی ناشی از عدم اجرای تعهد یا تأخیر در آن اشاره دارد (Katouzian, 2008). در حقوق مصر، ماده ۱۶۳ قانون مدنی جبران خسارت مادی را در صورتی که مستقیم و قابل پیش‌بینی باشد، الزامی می‌داند (Sanhoury, 2012). به عنوان مثال، در قرارداد فروش، اگر فروشنده از تحویل کالا خودداری کند، خریدار می‌تواند خسارت ناشی از افزایش قیمت کالا را مطالبه کند.

خسارت معنوی:

خسارت معنوی به زیان‌های غیرمالی مانند لطمه به حیثیت، عزت نفس یا آلام روانی اشاره دارد. در حقوق ایران، هرچند قانون مدنی به صراحت به خسارت معنوی اشاره نکرده، اما بر اساس قاعده "لاضرر" و رویه قضایی، جبران این نوع خسارت پذیرفته شده است (Bigdeli & Sadeghian, 2015). در حقوق مصر، ماده ۲۲۲ قانون مدنی به امکان جبران خسارت معنوی در مواردی مانند نقض قرارداد ازدواج یا لطمه به شهرت اشاره دارد (Faraj al-Sadda, 1974).

خسارت تنبیهی:

خسارت تنبیهی با هدف مجازات متعهد و جلوگیری از تکرار نقض تعهد اعمال می‌شود. در حقوق ایران، این نوع خسارت به صراحت در قانون مدنی پیش‌بینی نشده، اما در برخی قراردادها از طریق شرط جزایی (وجه التزام) اعمال می‌شود (Ahmadvand, 2003). در حقوق مصر، خسارت تنبیهی به‌ویژه در دعاوی مرتبط با نقض حقوق مالکیت فکری یا نقض عمدی تعهدات پذیرفته شده است (Sanhoury, 2012).

مبانی فقهی و حقوقی جبران خسارت

قاعده لاضرر:

قاعده "لاضرر و لاضرار فی الاسلام" یکی از مبانی اصلی جبران خسارت در هر دو نظام حقوقی است. این قاعده، که ریشه در فقه امامیه و فقه شافعی (مورد پذیرش در مصر) دارد، هرگونه زیان‌رساندن به دیگران را ممنوع می‌کند (Tabatabai Yazdi, 2000). در حقوق ایران، این قاعده در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ و در حقوق مصر در ماده ۱۶۳ قانون مدنی مورد استناد قرار می‌گیرد.

قاعده تسبیب:

قاعده تسبیب به مسئولیت شخص در قبال خسارتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم سبب آن شده است، اشاره دارد. در فقه امامیه، این قاعده در کنار قاعده غرور، مبانی مسئولیت مدنی است (Gharavy Naeini, 1994). در حقوق مصر، تسبیب در ماده ۱۶۳ قانون مدنی به‌عنوان مبانی جبران خسارت ناشی از فعل زیان‌بار پذیرفته شده است (Faraj al-Sadda, 1974).

اصل جبران کامل خسارت:

در هر دو نظام حقوقی، اصل بر جبران کامل خسارت است، مشروط بر اینکه خسارت مستقیم، قابل پیش‌بینی و مرتبط با نقض تعهد باشد. در حقوق ایران، این اصل در ماده ۲۲۶ قانون مدنی و در حقوق مصر در ماده ۱۷۰ قانون مدنی مورد تأکید قرار گرفته است (Katouzian, 2020; Sanhoury, 2019).

مقایسه تطبیقی خسارت در حقوق ایران و مصر

در حقوق ایران، اولویت با الزام به اجرای عین تعهد است و جبران خسارت به‌عنوان راهکار ثانویه مطرح می‌شود (Katouzian, 2014). در مقابل، در حقوق مصر، متعهدانه در انتخاب بین اجرای عین تعهد، فسخ قرارداد یا مطالبه خسارت آزاد است (Sanhouiri, 2012). همچنین، در حقوق مصر، خسارت تنبیهی و غیرترمیمی با تأکید بر بازدارندگی بیشتر مورد توجه است، در حالی که در حقوق ایران، این نوع خسارت‌ها عمدتاً از طریق وجه التزام دنبال می‌شود (Ahmadvand, 2003).

هر دو نظام حقوقی بر اصل جبران کامل خسارت (اصل لاضرر در فقه اسلامی) استوار هستند، اما تفاوت‌های کلیدی وجود دارد. جدول زیر مقایسه‌ای خلاصه ارائه می‌دهد:

جدول ۱. تطبیق حقوق ایران و مصر در توازن قراردادی و نقش تفسیر در تعیین خسارت

حقوق مصر	حقوق ایران	مفهوم
-تفسیر قرارداد باید بر اساس اراده واقعی طرفین و شرایط کلی قرارداد باشد (ماده ۱۵۰).	-تفسیر باید مطابق با اراده واقعی طرفین باشد . -استفاده از عرف و عادت برای رفع ابهام (ماده ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی).	تفسیر قرارداد
-در صورت ابهام، قاضی باید اهداف طرفین و شرایط قرارداد را در نظر بگیرد.	-در صورت ابهام، قاضی می‌تواند از شرایط ضمنی برای روشن‌سازی استفاده کند.	
-همانند حقوق ایران، اراده واقعی طرفین مبنای تفسیر است. تأکید بیشتر بر شرایط کلی و اهداف قرارداد (ماده ۱۵۰ قانون مدنی).	تأکید بر قصد واقعی طرفین به‌عنوان مبنای تفسیر قرارداد (ماده ۱۹۱ قانون مدنی)	مفاد و اراده واقعی طرفین
-اصل حسن نیت صراحتاً در ماده ۱۴۸ قانون مدنی آمده است. - قراردادهای باید با حسن نیت تفسیر و اجرا شوند.	-در قوانین صریحاً ذکر نشده است، ولی مفاهیمی مانند شرط ضمنی و عرف برای تأمین حسن نیت استفاده می‌شود (ماده ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی).	حسن نیت و اخلاق حسنه
-حقوق مصر به‌طور صریح بر تعدیل شروط غیرمنصفانه تأکید دارد (ماده ۱۲۹ و ۱۴۸).	-حقوق ایران بطور غیرمستقیم از طریق قواعد فقهی و عرف به تعدیل شروط غیرمنصفانه پرداخته است.	تعدیل شروط غیرمنصفانه
-محدودیت‌ها به‌طور مشابه در حقوق مصر از طریق رعایت انصاف و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت در قراردادهای وجود دارد.	-محدودیت بر اساس نظم عمومی و اخلاق حسنه (ماده ۳۰ قانون دفاتر اسناد رسمی).	محدودیت آزادی قراردادی
	-اصل ۴۰ قانون اساسی نیز محدودیت‌های آزادی قراردادهای را بر اساس عدم ضرر به دیگران وضع کرده است.	
-همانند حقوق ایران، تفسیر قرارداد در تعیین خسارت باید با توجه به رابطه علت و معلولی انجام شود.	-تفسیر قرارداد در تعیین خسارت باید بر مبنای ارتباط علت و معلولی میان نقض قرارداد و ضرر وارده باشد.	تفسیر در تعیین خسارت
-تأکید بر حسن نیت در تعیین خسارت‌های ناشی از نقض قرارداد.	-به‌ویژه در مواردی که نقض قرارداد منجر به خسارت غیرقابل پیش‌بینی شده است.	
-حقوق مصر به‌طور کامل از اصل حسن نیت استفاده می‌کند، این امر می‌تواند مدل مناسبی برای ایران باشد.	-پیشنهاد برای پذیرش صریح اصل حسن نیت در قانون مدنی ایران به‌منظور تقویت عدالت قراردادی.	راهکارهای پیشنهادی

جدول ۲. تفاوت‌های کلیدی خسارات حقوق ایران و مصر

تفاوت‌ها	حقوق مصر	حقوق ایران	جنبه مقایسه
مصر خسارت تنبیهی و معنوی را گسترده‌تر پوشش می‌دهد.	مستقیم، غیرمستقیم، تأخیری، معنوی، تنبیهی	مستقیم، غیرمستقیم، تأخیری، معنوی/مادی	انواع خسارت اصلی
ایران سخت‌گیرانه‌تر در اثبات خسارت معنوی است.	مشابه، اما انعطاف‌پذیرتر در اثبات خسارت غیرمادی (مواد ۲۲۱-۲۲۲ ق.م. مصر)	اثبات تقصیر، رابطه علیت، شرایط مطالبه پیش‌بینی‌پذیری (مواد ۲۲۱-۲۲۶ ق.م.م)	شرایط مطالبه
هر دو مشابه، اما مصر اجازه تعدیل قضایی بیشتری می‌دهد.	شرط جزایی برای تسهیل جبران (ماده ۱۵۱ ق.م. مصر)	جبران خسارت پیش‌بینی‌شده (ماده ۲۳۰ ق.م.م)	نقش وجه التزام

مصر نوآوری‌های بیشتری از حقوق فقه مالکی: انعطاف در خسارت‌های فقه امامیه: تأکید بر جبران عادلانه تأثیر فقه اسلامی
فرانسه ادغام کرده است. اخلاقی
مصر در حل اختلافات سریع‌تر و مطالبه قضایی، تعدیل خسارت توسط مطالبه قضایی، فسخ قرارداد ضمانت اجرایی
پیش‌بینی‌پذیرتر عمل می‌کند. دادگاه

پیشینه تحقیق

پیشینه داخلی:

• شهوند و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی تحت عنوان "تبیین انواع خسارت در نتیجه عدم ایفای تعهد در حقوق ایران، مصر و فقه اسلامی" پرداختند. پژوهش با هدف تبیین مبانی نظری جبران خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد در نظام حقوقی ایران و مصر قصد دارد تا با روش توصیفی-تحلیلی دلایل خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد با محوریت شیوه‌های ضمانت اجرای خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد، راه حل اجرایی دیگر جبران خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد، نحوه ارزیابی خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد پیش از وقوع خسارت را با نگاه تطبیقی پردازش نماید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هر دو نظام، تحت تأثیر فقه اسلامی، اصول مشترکی در جبران خسارت دارند، اما در رویه‌های قضایی، ضمانت‌های اجرایی و شرایط مطالبه خسارت تفاوت‌هایی دارند. حقوق ایران مبتنی بر فقه امامیه و قانون مدنی است که بر لزوم انجام تعهد و جبران خسارت تأکید دارد، در حالی که حقوق مصر با تأثیرپذیری از فقه مالکی و حقوق فرانسه، قواعد منسجم‌تری برای جبران خسارت، از جمله خسارات معنوی، پیش‌بینی کرده است. نوآوری در این تطبیق می‌تواند با استفاده از تجربیات مصر در پیش‌بینی خسارات غیرمادی و انعطاف‌پذیری در حل اختلافات، به تقویت ضمانت‌های اجرایی و توسعه حقوق تعهدات در نظام حقوقی ایران کمک نماید (Shahavand et al., 2023).

• کاتوزیان (۱۳۹۹): در کتاب "نظریه عمومی تعهدات"، به بررسی انواع خسارت‌های ناشی از نقض تعهدات پرداخته و تأکید کرده است که در حقوق ایران، جبران خسارت معنوی کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Katouzian, 2020).

• یزدانیان (۱۴۰۰): در مقاله‌ای با عنوان "بررسی ایفای تعهد با مال غیر"، به تحلیل خسارت‌های ناشی از ایفای نادرست تعهدات پرداخته و پیشنهادهایی برای اصلاح قوانین ارائه داده است (Yazdaniyan, 2021).

• طهماسبی (۱۳۹۷): در مطالعه تطبیقی الزام به ایفای عین تعهد در ایران و آلمان، به اهمیت جبران خسارت به‌عنوان ضمانت اجرای نقض تعهد اشاره کرده است (Tahmasebi, 2018).

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۶ش)، در پژوهشی با عنوان «قواعد عمومی قراردادها» به بررسی مبانی و اصول حاکم بر قراردادها در حقوق ایران پرداخته و موضوع عدم ایفای تعهد و شرایط جبران خسارت را به تفصیل تحلیل کرده است. نویسنده با تأکید بر فقه امامیه و قواعد حقوق مدنی ایران، به مباحثی همچون فورس‌ماژور، رابطه علیت، و اصول تعهدات قراردادی پرداخته است. پرداختن به شرایط جبران خسارت و اصول تعهدات قراردادی از نقاط اشتراک پژوهش با رساله است. از نقاط افتراق دو پژوهش این است که جناب استاد کاتوزیان تنها به تحلیل حقوق ایران پرداخته و تطبیق آن با حقوق مصر یا دیگر نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار نگرفته است. رساله ما در مقابل، با تمرکز بر تطبیق حقوق ایران و مصر، به تحلیل تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو نظام حقوقی در زمینه عدم ایفای تعهد و جبران خسارت پرداخته است که این خود از جنبه مقایسه‌ای پژوهش ما متفاوت است. همچنین، پرداختن به تأثیر حقوق نوشته در حقوق مصر و تطبیق آن با اصول فقهی در حقوق ایران، ابعاد جدیدی به بررسی این موضوع می‌دهد که در کار کاتوزیان گنجانده نشده است (Katouzian, 2008).

عبدالرزاق، احمد (۱۹۹۸م)، در پژوهشی با عنوان «النظریة العامة للالتزامات فی القانون المدنی المصری» به مبانی نظری تعهدات در قانون مدنی مصر و شرایط عدم ایفاء تعهد و جبران خسارت ناشی از آن می‌پردازد. نویسنده با استفاده از اصول حقوق نوشته و قواعد فقهی، موضوعاتی مانند شرایط فورس ماژور، تغییر شرایط اساسی قرارداد، و تأخیر در ایفاء تعهد را مورد بررسی قرار داده است. از نقاط اشتراک دو پژوهش تحلیل مبانی نظری و قواعد جبران خسارت در یک نظام حقوقی اسلامی با تأثیر از حقوق نوشته است. با این حال، تفاوت اصلی این پژوهش با رساله شما در این است که پژوهش عبدالرزاق تنها بر نظام حقوقی مصر متمرکز است و به تطبیق آن با حقوق ایران پرداخته نمی‌شود. در حالی که رساله ما با هدف بررسی تطبیقی حقوق ایران و مصر، تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو نظام حقوقی را تحلیل می‌کند. این جنبه مقایسه‌ای در رساله ما، ابعاد جدیدی به پژوهش‌های موجود در زمینه عدم ایفاء تعهد و جبران خسارت می‌افزاید (Abdel Razzaq, 2021).

پیشینه خارجی:

- السنهوری (۲۰۱۹): در تفسیر قانون مدنی مصر، به تحلیل خسارت‌های ناشی از نقض تعهدات قراردادی پرداخته و بر اهمیت اصل پیش‌بینی‌پذیری خسارت تأکید کرده است (Sanhoury, 2019).
- عبدالرزاق (۲۰۲۱): در مقاله‌ای در مجله حقوقی دانشگاه قاهره، به بررسی خسارت‌های گروهی ناشی از ایفاء نادرست تعهدات زیست‌محیطی پرداخته و پیشنهادهایی برای توسعه رژیم حقوقی جبران خسارت ارائه داده است (Abdel Razzaq, 2021).
- محمد (۲۰۲۰): در مطالعه‌ای تطبیقی، به مقایسه خسارت‌های تنبیهی در حقوق مصر و فرانسه پرداخته و نقش آن‌ها در بازدارندگی را بررسی کرده است (Mohammad, 2020).

جنبه نوآوری تحقیق در این تحقیق با موضوع انواع خسارت ناشی از عدم ایفاء تعهد در حقوق ایران و مصر در چند محور اساسی قابل بیان است. نخستین وجه نوآوری این تحقیق، انجام مطالعه‌ای تطبیقی میان دو نظام حقوقی ایران و مصر است که یکی بر مبنای فقه امامیه و دیگری با تأثیرپذیری از حقوق نوشته (فرانسه، آلمان و بلژیک) شکل گرفته است. این تطبیق نشان‌دهنده تنوع و غنای فکری در دو رویکرد متفاوت است و به روشن شدن نقاط قوت و ضعف هر نظام حقوقی کمک می‌کند. دومین جنبه نوآوری، ارائه تحلیلی جامع از انواع خسارات ناشی از عدم ایفاء تعهد و شیوه‌های جبران آن در دو نظام حقوقی است. در این راستا، تحقیق حاضر تلاش می‌کند تا شرایط افزایش یا کاهش خسارت، نقش تعدیل قضایی و امکان حذف شروط تحمیلی را در دو نظام بررسی و مقایسه کند، که در پژوهش‌های پیشین کمتر به چنین جزئیاتی پرداخته شده است. سومین جنبه نوآوری این پژوهش، تأکید بر ظرفیت‌های فقه امامیه در تحلیل مسائل جدید حقوقی است. از آنجایی که حقوق ایران مبتنی بر فقه امامیه از غنای نظری قابل توجهی برخوردار است، این تحقیق تلاش دارد تا نشان دهد که این ظرفیت نه تنها در حل مسائل داخلی بلکه در مقایسه با حقوق تطبیقی نیز کارآمد است و می‌تواند به عنوان الگویی برای نظام‌های دیگر مطرح شود. چهارمین جنبه نوآوری، بررسی سازوکارهای قضایی خاص در دو نظام حقوقی ایران و مصر است. این رساله با تحلیل تفصیلی موضوعاتی همچون اصول تعدیل قضایی، حذف شروط تحمیلی و تفسیر قراردادها، تلاش می‌کند راهکارهای عملی برای تحقق عدالت قراردادی ارائه دهد که کمتر در پژوهش‌های پیشین به این شکل جامع مطرح شده است. پنجمین جنبه نوآوری این است که تعدیل قضایی قراردادها، حذف شروط تحمیلی، و تفسیر قراردادها به عنوان ابزارهایی برای جبران خسارت، نیازمند تحلیل دقیق‌تری هستند. به‌ویژه نقش محاکم در ایران و مصر در اجرای عدالت قراردادی و تأمین حقوق طرفین قرارداد کمتر مورد بررسی جامع قرار گرفته است. ششمین جنبه نوآوری این است که در هر دو نظام حقوقی، عرف و رویه‌های قضایی تأثیر زیادی در جبران خسارت دارند. تحلیل این تأثیرات، به‌ویژه در موضوعات قراردادی پیچیده، یکی از

نکات مغفول در پژوهش‌های پیشین است. این جنبه‌ها تحقیق حاضر را به یک مطالعه منحصر به فرد تبدیل کرده و کمک می‌کند تا راهکارهای علمی و عملی برای حل اختلافات ناشی از عدم ایفای تعهد و نحوه جبران خسارت ناشی از آن در دو نظام حقوقی ایران و مصر شناسایی و ارائه شوند.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. منابع شامل قوانین مدنی ایران و مصر، کتب فقهی، مقالات علمی و آرای قضایی مرتبط است. تحلیل داده‌ها با روش تطبیقی انجام شده تا شباهت‌ها و تفاوت‌های نظام‌های حقوقی ایران و مصر در جبران خسارت ناشی از ایفای تعهد بررسی شود.

یافته‌های تحقیق

انواع خسارت در حقوق ایران:

- خسارت مادی: شامل زیان‌های مستقیم (مانند تخریب مال) و غیرمستقیم (مانند عدم النفع). ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی به امکان مطالبه عدم النفع در شرایط خاص اشاره دارد.
- خسارت معنوی: گرچه در فقه امامیه و قانون مدنی به صورت صریح پیش‌بینی نشده، اما آرای قضایی اخیر جبران خسارت معنوی را در مواردی مانند صدمات عاطفی پذیرفته‌اند.
- محدودیت‌ها: اثبات رابطه سببیت و پیش‌بینی‌پذیری خسارت از چالش‌های اصلی در حقوق ایران است. در حقوق ایران، بر اساس مواد ۲۲۱ تا ۲۳۲ قانون مدنی، خسارت ناشی از ایفای تعهد (یا بهتر بگوییم، نقض آن) به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود:
- خسارت مستقیم (بالمباشره): زیان‌هایی که مستقیماً از نقض تعهد ناشی می‌شوند، مانند هزینه‌های اضافی برای جایگزینی کالا یا خدمات.
- خسارت غیرمستقیم (بالتسبیب): زیان‌های جانبی، مانند از دست دادن سود پیش‌بینی‌شده، که طبق ماده ۲۲۶ قانون مدنی، تنها در صورتی قابل مطالبه است که رابطه علیت اثبات شود.
- خسارت تأخیری: ناشی از تأخیر در ایفای تعهد، مانند کاهش ارزش پول یا از دست دادن فرصت‌ها، که اغلب با وجه التزام (ماده ۲۳۰ قانون مدنی) جبران می‌شود.
- خسارت مادی و معنوی: خسارت مادی شامل زیان‌های مالی است، در حالی که خسارت معنوی (مانند آسیب به شهرت یا سلامت روانی) طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی قابل مطالبه است، اما اثبات آن دشوارتر است.
- خسارت پیش‌بینی‌پذیر: تنها خسارت‌هایی که در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی بوده‌اند، جبران می‌شوند (ماده ۲۲۱ قانون مدنی).
- شرایط مطالبه: وجود ضرر، تقصیر متعهد، رابطه علیت و انقضای موعد ایفا ضروری است. وجه التزام به عنوان خسارت قراردادی پیش‌بینی‌شده، نقش مهمی در تسهیل جبران دارد.

انواع خسارت در حقوق مصر:

قانون مدنی مصر (مصوب ۱۹۴۸، مواد ۱۴۷ تا ۲۲۶) که تحت تأثیر حقوق فرانسه و فقه اسلامی است، خسارت ناشی از ایفاء تعهد را به صورت منسجم‌تری دسته‌بندی می‌کند:

- خسارت مادی: شامل زیان‌های مستقیم و غیرمستقیم، مشابه حقوق ایران، اما با تأکید بیشتر بر پیش‌بینی‌پذیری (ماده ۲۲۱ قانون مدنی مصر)..
• خسارت معنوی: به‌طور گسترده‌تری نسبت به ایران پذیرفته شده و شامل صدمات روانی و حیثیتی است.
• خسارت تنبیهی: در مواردی که نقض تعهد عمدی باشد، خسارت تنبیهی برای بازدارندگی اعمال می‌شود، که در حقوق ایران معادل مشخصی ندارد.
• خسارت مستقیم: زیان‌های فوری ناشی از نقض، مانند هزینه‌های تعمیر یا جایگزینی.
• خسارت غیرمستقیم: شامل از دست دادن سود و فرصت‌ها، که طبق ماده ۲۲۱ قانون مدنی مصر، با شرط پیش‌بینی‌پذیری جبران می‌شود.
• خسارت تأخیری: ناشی از تأخیر، که اغلب با بهره یا غرامت اضافی جبران می‌گردد.
• خسارت معنوی: به‌طور گسترده‌تر از ایران پذیرفته شده و شامل آسیب‌های روانی، شهرت و حتی خسارت‌های اخلاقی است (ماده ۲۲۲ قانون مدنی مصر).
• خسارت تنبیهی (مجازات): در موارد تقصیر عمدی، ممکن است خسارت اضافی برای تنبیه متعهد اعمال شود، که این ویژگی تحت تأثیر حقوق فرانسه است.
• شرایط مطالبه: مشابه ایران، اما دادگاه‌های مصر انعطاف‌پذیرتر عمل می‌کنند و خسارت‌های غیرمادی را آسان‌تر می‌پذیرند. وجه التزام (شرط جزایی) در ماده ۱۵۱ قانون مدنی مصر، به عنوان ابزار پیش‌بینی خسارت استفاده می‌شود.
یافته‌ها نشان می‌دهد که حقوق مصر، به دلیل تأثیر حقوق کامن‌لا و فرانسه، قواعد منسجم‌تری برای جبران خسارت‌های غیرمادی دارد، در حالی که حقوق ایران بیشتر بر فقه امامیه تکیه کرده و اثبات خسارت را پیچیده‌تر می‌سازد. پیشنهاد: ادغام تجربیات مصر در حقوق ایران می‌تواند به تقویت ضمانت‌های اجرایی کمک کند. شروط تحمیلی که به‌طور غیرمنصفانه بر یکی از طرفین قرارداد تحمیل می‌شود، می‌تواند موجب نارضایتی و شکایت شود. در حقوق ایران، علاوه بر قواعد عمومی قراردادها، برخی قوانین خاص نیز به حذف یا تعدیل شروط تحمیلی پرداخته‌اند. در هر دو سیستم حقوقی، تفسیر صحیح و دقیق قرارداد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا از بروز اختلافات و تحمیل خسارت‌های غیرمنصفانه جلوگیری شود.

تفاوت‌های کلیدی:

- در حقوق ایران، مبنای فقهی قاعده لاضرر و تسبیب غالب است، در حالی که در مصر، قانون مدنی و تفاسیر السنهوری نقش اصلی را دارند.
- خسارت تنبیهی در مصر به‌عنوان ابزار بازدارندگی شناخته شده، اما در ایران به‌ندرت اعمال می‌شود.

- در مصر، جبران خسارت گروهی (مانند خسارت‌های زیست‌محیطی) توسعه‌یافته‌تر است، در حالی که در ایران این حوزه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی نشان داد که هر دو نظام حقوقی ایران و مصر به جبران خسارت ناشی از ایفای تعهد اهمیت می‌دهند، اما تفاوت‌هایی در مبانی نظری و روش‌های جبران وجود دارد. در ایران، فقه امامیه و قواعد عام مسئولیت مدنی حاکم است، در حالی که در مصر، قانون مدنی و اصول حقوقی مدرن‌تر نقش کلیدی دارند. خسارت‌های مادی و معنوی در هر دو نظام پذیرفته شده‌اند، اما خسارت تنبیهی در مصر جایگاه مشخص‌تری دارد. هماهنگ‌سازی رویه‌های قضایی و توسعه قوانین برای جبران خسارت‌های گروهی و معنوی می‌تواند کارایی این نظام‌ها را افزایش دهد. انواع خسارت ناشی از ایفای تعهد در حقوق ایران و مصر شامل خسارت‌های مادی، معنوی و در مواردی تنبیهی است. مبانی فقهی مانند قاعده لاضرر و تسبیب، همراه با قوانین مدنی دو کشور، چارچوب جبران این خسارت‌ها را فراهم می‌کنند. با وجود شباهت‌های فقهی و حقوقی، تفاوت‌هایی در اولویت‌بندی ضمانت اجراها و پذیرش خسارت‌های غیرترمیمی بین دو نظام وجود دارد که نیازمند بررسی دقیق‌تر در پژوهش‌های آتی است.

بررسی انواع خسارت ناشی از ایفای تعهد در حقوق ایران و مصر نشان‌دهنده تفاوت‌ها و شباهت‌های قابل توجهی در رویکردهای این دو نظام حقوقی است که هر یک ریشه در مبانی فقهی، قانونی و عرفی خود دارند. در حقوق ایران، بر اساس مواد ۲۲۶ تا ۲۳۰ قانون مدنی، خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی به صورت کلی پیش‌بینی شده‌اند، اما قانون‌گذار به صراحت انواع خسارات قابل مطالبه را مشخص نکرده است. خسارات مادی، معنوی، عدم‌النفع محقق‌الحصول، وجه‌التزام و خسارات ناشی از تأخیر در انجام تعهد از جمله خسارات قابل مطالبه هستند، اما فقدان ضابطه دقیق برای ارزیابی این خسارات، چالش‌هایی را در عمل ایجاد کرده است. به‌ویژه، ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی ایران مطالبه عدم‌النفع را محدود کرده که این امر کارایی نظام جبران خسارت را کاهش داده است. در مقابل، در فقه امامیه تأکید اصلی بر الزام به اجرای عین تعهد است و جبران خسارت به عنوان راهکار ثانویه مطرح می‌شود.

در حقوق مصر، بر اساس قانون مدنی مصر (الوسیط فی شرح القانون المدنی) تألیف عبدالرزاق احمد سنهوری، خسارات قابل مطالبه شامل خسارات مادی و معنوی است و رویکردی منعطف‌تر نسبت به ایران در شناسایی خسارات، به‌ویژه خسارات ناشی از اعتماد و انتظار، دیده می‌شود. نظام حقوقی مصر با تأثیرپذیری از حقوق فرانسه، امکان تعدیل قضایی وجه‌التزام را فراهم کرده که این امر انعطاف بیشتری در جبران خسارت ایجاد می‌کند. همچنین، در حقوق مصر، سن تمیز برای مسئولیت مدنی صغیر (۷ سال) به عنوان معیاری برای احراز مسئولیت قهری در نظر گرفته شده که با حقوق ایران تفاوت دارد.

شباهت‌های دو نظام در تأکید بر اصل لزوم وفای به عهد و الزام به اجرای عین تعهد قابل توجه است. هر دو نظام حقوقی جبران خسارت را به عنوان ضمانت اجرای نقض تعهد پذیرفته‌اند، اما در حقوق ایران، قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر و تسبیب مبنای اصلی جبران خسارت هستند، در حالی که حقوق مصر از اصول حقوق مدنی فرانسه و فقه اسلامی به صورت توأمان بهره می‌برد. تفاوت عمده در این است که حقوق مصر به خسارات ناشی از اعتماد و انتظار توجه بیشتری نشان داده و سازوکارهای قضایی منعطف‌تری برای ارزیابی خسارت ارائه می‌دهد، در حالی که حقوق ایران در این زمینه با محدودیت‌های قانونی مواجه است.

برای بهبود نظام جبران خسارت در ایران، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با الگوبرداری از نظام حقوقی مصر، انواع خسارات قابل مطالبه را به‌صراحت تعیین کرده و ضوابط ارزیابی خسارت را مشخص نماید. همچنین، بازنگری در محدودیت‌های مربوط به مطالبه عدم‌النفع و پذیرش خسارات ناشی از اعتماد و انتظار می‌تواند کارایی نظام حقوقی ایران را افزایش دهد. این امر به‌ویژه در قراردادهای تجاری و بین‌المللی که نیاز به پیش‌بینی‌پذیری و شفافیت بیشتری دارند، اهمیت بسزایی دارد.

این تحقیق نشان داد که خسارت ناشی از ایفاء تعهد (نقض آن) در هر دو نظام حقوقی ایران و مصر، بر پایه جبران زیان متعهدله استوار است، اما حقوق مصر انعطاف‌پذیرتر و جامع‌تر عمل می‌کند. برای توسعه حقوق تعهدات در ایران، می‌توان از مدل مصری در پیش‌بینی خسارت‌های معنوی الهام گرفت. تحقیقات آتی می‌تواند بر روی قضایی تمرکز کند تا تفاوت‌های عملی را بررسی نماید.

پیشنهادهای کاربردی

- توسعه رژیم حقوقی خسارت‌های گروهی: با توجه به پیشرفت‌های حقوق مصر در جبران خسارت‌های گروهی، ایران می‌تواند با الهام از این نظام، قوانین خاصی برای خسارت‌های زیست‌محیطی و گروهی تدوین کند.
- تقویت جبران خسارت معنوی: در ایران، لازم است قوانین مدنی به‌صراحت جبران خسارت معنوی را پیش‌بینی کنند تا حمایت بیشتری از زیان‌دیدگان فراهم شود.
- ایجاد رویه قضایی واحد: هماهنگی بین آرای قضایی در ایران و مصر می‌تواند به بهبود اجرای تعهدات و کاهش خسارت‌های ناشی از آن کمک کند.
- آموزش قضات و وکلا: برگزاری دوره‌های آموزشی با تمرکز بر حقوق تطبیقی می‌تواند به درک بهتر روش‌های جبران خسارت در هر دو نظام کمک کند.

جدول ۳. پیشنهادات موثر به جامعه حقوقی با توجه به نوآوری

پیشنهاد	توضیحات
تقویت قواعد جبران خسارت غیرمالی	توجه به خسارت‌های غیرمالی، مانند آسیب‌های روانی و حیثیتی، و پیش‌بینی سازوکارهای قانونی خاص برای جبران آنها.
تدوین قوانین خاص برای قراردادهای الکترونیکی	به‌روزرسانی قوانین برای پوشش‌دهی به تعهدات و خسارت‌های ناشی از قراردادهای الکترونیکی و آنلاین در دنیای مدرن.
توسعه بیمه مسئولیت قراردادی	ایجاد و تقویت بیمه‌های مسئولیت قراردادی برای کاهش ریسک‌های ناشی از عدم ایفاء تعهد در قراردادها.
ایجاد سازوکارهای اجرایی منعطف‌تر	تقویت ضمانت‌های اجرایی برای جبران خسارت به‌گونه‌ای که پاسخگوی نیازهای متغیر جامعه و تحولات اقتصادی و حقوقی باشد.
اصلاح قوانین در راستای تأکید بر اصل انعطاف‌پذیری قاضی	پیشنهاد اصلاحات در قوانین برای افزایش انعطاف‌پذیری قاضی در تعدیل مبالغ خسارت و تعاریف دقیق‌تر از مفاهیم.
تقویت هماهنگی بین حقوق ایران و مصر در زمینه مسئولیت قراردادی	پیشنهاد ایجاد تفاهم‌نامه‌ها یا همکاری‌های بین‌المللی برای هم‌راستاسازی اصول مسئولیت قراردادی میان ایران و مصر.
توجه به سازوکارهای تطبیقی در آموزش حقوقی	گنجاندن مقایسه تطبیقی میان حقوق ایران و مصر در برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و مراکز حقوقی.
مراجعه به تجربه‌های جهانی در ایجاد قانون جامع مسئولیت قراردادی	استفاده از تجربیات جهانی در تدوین قوانین جامع و شفاف برای مسئولیت قراردادی با تکیه بر تجارب مشابه در دیگر کشورها.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The issue of damages arising from the non-performance of obligations has historically occupied a central position in both Islamic jurisprudence and modern legal systems. In civil law, particularly in the systems of Iran and Egypt, the failure to perform obligations—whether contractual or non-contractual—results in complex legal consequences that must balance justice, compensation, and deterrence. The conceptual framework of “obligation” in these jurisdictions has been defined as the legal commitment of a party to perform or abstain from performing a specific act (Katouzian, 2008). When such obligations are not fulfilled, damages follow, which may be categorized into material (financial) and non-material (moral or psychological) losses (Emami, 2010; Faraj al-Sadda, 1974). In Iranian law, the framework for addressing damages relies heavily on the jurisprudential principles of La Zarar (no harm) and causation, which form the backbone of compensation mechanisms (Gharavy Naeini, 1994; Tabatabai Yazdi, 2000). By contrast, Egyptian law incorporates both jurisprudential elements and codified principles within its Civil Code of 1948, influenced by French civil law, which explicitly recognizes material, moral, and punitive damages (Faraj al-Sadda, 1974; Sanhoury, 2012). This combination of approaches demonstrates a divergence in emphasis: Iran maintains a strict reliance on fiqh principles, while Egypt harmonizes Islamic jurisprudence with European civil law traditions.

In both systems, material damages are considered the most straightforward form of compensation, covering direct financial loss and indirect consequences such as loss of profit. Iranian law, through Article 221 of the Civil Code, acknowledges the recovery of material damages, subject to proof of causation and foreseeability (Katouzian, 2008). Egyptian law goes further in Article 163 of its Civil Code, obligating compensation for any wrongful act that results in harm, whether material or moral, provided causation and foreseeability are established (Sanhoury, 2012). However, a distinct difference arises in the scope of recoverability. While Iranian courts often impose stricter conditions on proving moral damages, Egyptian law expressly permits compensation for psychological, emotional, and reputational harm under Article 222 (Bigdeli & Sadeghian, 2015; Faraj al-Sadda, 1974). This has led Egyptian jurisprudence to be more expansive in the recognition of intangible harms, which aligns more closely with modern developments in civil law systems globally. Additionally, Egypt recognizes punitive damages, particularly in cases of intentional breach or intellectual property violations, whereas Iranian law does not formally admit punitive damages, relying instead on contractual penalty clauses (shart-e-jaza'i) (Ahmadvand, 2003). This contrast underscores the more deterrence-oriented approach of the Egyptian legal order compared to the restitution-focused Iranian approach.

The jurisprudential foundations of both systems reveal shared roots but diverging applications. The principle of La Zarar, which prohibits causing harm or reciprocal harm, operates as a fundamental rule in both jurisdictions (Tabatabai Yazdi, 2000). In Iran, it is codified in Article 1 of the Civil Liability Act (1959), serving as a general clause for compensatory liability. In Egypt, Article 163 of the Civil Code reflects the same principle but embeds it within a more structured statutory framework, providing clearer guidance for judicial application (Faraj al-Sadda, 1974). Likewise, the principle of causation (tasbib) has a central role: Iranian law emphasizes direct causation and limits liability to

foreseeable consequences (Gharavy Naeini, 1994), while Egyptian law also embraces indirect causation where foreseeability exists (Sanhoury, 2012). The principle of full compensation is recognized in both systems, though its implementation differs. Iran enforces this through Articles 226 and 230 of its Civil Code (Katouzian, 2020), which emphasize restitution and foreseeability, while Egypt articulates it explicitly in Articles 170 and 221 of the Civil Code (Sanhoury, 2019), thereby offering courts greater interpretive flexibility. Comparative studies emphasize that Iranian courts prioritize specific performance before awarding damages, seeing monetary remedies as secondary (Katouzian, 2014), while Egyptian law allows the injured party to choose between performance, rescission, or damages (Sanhoury, 2012). This flexibility increases legal certainty for contracting parties in Egypt and enhances judicial adaptability.

Academic research on the subject further highlights these differences. For instance, Shahavand (2023) demonstrates that while both Iranian and Egyptian systems share Islamic jurisprudential roots, their judicial practices and enforcement mechanisms diverge significantly, particularly in the treatment of non-material damages (Shahavand et al., 2023). Katouzian's foundational works on the general theory of obligations in Iran argue that moral damages remain underdeveloped and inadequately addressed in Iranian jurisprudence (Katouzian, 2020). Yazdanian (2021) explores obligations performed improperly with third-party property, stressing the need for reforms to enhance compensation mechanisms (Yazdanian, 2021). On the Egyptian side, Sanhoury's extensive commentaries continue to serve as the primary interpretive source, underlining the principle of foreseeability and flexibility in damage assessment (Sanhoury, 2019). Abdel Razzaq (2021) also advances the debate by examining collective damages in environmental contexts, advocating for an expanded liability regime in Egypt (Abdel Razzaq, 2021). Comparative insights confirm that Iran's heavy reliance on fiqh creates rigidity, while Egypt's hybrid system affords a broader and more adaptive approach (Mohammad, 2020). These scholarly perspectives demonstrate how theoretical underpinnings translate into practical divergence in courts, highlighting the dynamic interplay of tradition and modernity in the law of obligations.

The comparative dimension reveals further nuances when examining contractual penalties, good faith, and the adjustment of unfair terms. Iranian law, though indirectly recognizing good faith through implied terms and customary practices (Articles 220 and 225 Civil Code), does not explicitly codify it (Katouzian, 2008). Conversely, Egyptian law, under Article 148 of its Civil Code, directly establishes good faith as a governing principle in both interpretation and execution of contracts (Sanhoury, 2012). Similarly, Iran relies on shari'a-based interpretations to adjust unfair contractual terms, while Egypt explicitly provides judicial authority to moderate unfair conditions under Articles 129 and 148 of its Civil Code. In punitive damages and contractual penalties, Iran relies on Article 230, which enforces the agreed-upon penalty without judicial adjustment, whereas Egyptian law grants judges discretion to adjust penalty clauses in proportion to the harm (Ahmadvand, 2003; Sanhoury, 2012). The implications of these differences are significant for contractual justice: Egyptian law promotes fairness by curbing abusive terms, while Iranian law emphasizes contractual certainty even at the expense of equity. Moreover, Egypt's recognition of collective and group damages, particularly in environmental law, demonstrates its receptiveness to evolving forms of liability (Abdel Razzaq, 2021), while Iranian law remains cautious and confined largely to traditional categories.

The findings of this comparative study indicate that although both Iran and Egypt ground their regimes in Islamic principles, their legal architectures lead to divergent applications of liability and compensation. Iranian law, heavily steeped in the doctrines of Imamiyyah jurisprudence, emphasizes strict causality, foreseeability, and the priority of specific performance. This creates a

system that is conceptually coherent but often rigid in addressing contemporary disputes. Egyptian law, drawing from Maliki fiqh and French civil law, demonstrates greater adaptability by expressly recognizing moral and punitive damages, judicial discretion in penalty clauses, and the principle of good faith as a cornerstone of contractual relations. These differences have significant implications for cross-border commercial transactions, legal harmonization, and the modernization of civil liability frameworks. The Iranian system, while strong in doctrinal consistency, may need to expand its statutory recognition of moral and collective damages to better address the needs of a globalized economy. Egypt, in turn, may serve as a model for integrating Islamic jurisprudence with civil law techniques to provide a more balanced system of remedies.

In conclusion, the comparative analysis of damages for non-performance of obligations in Iranian and Egyptian law demonstrates both convergence and divergence shaped by their unique jurisprudential and historical trajectories. Both systems acknowledge material and moral damages, but Egypt expands further by integrating punitive damages and codifying principles such as good faith and judicial discretion. Iran, while adhering closely to fiqh doctrines, maintains a more conservative and rigid approach that sometimes hampers comprehensive compensation. The study highlights the potential benefits of harmonizing Iranian law with modern developments seen in Egypt, particularly in recognizing moral damages, codifying good faith, and empowering judicial discretion in contract enforcement. Such reforms would strengthen the Iranian legal system's adaptability and enhance its capacity to meet the demands of international commerce and evolving societal expectations.

References

- Abdel Razzaq, M. (2021). Collective Damage Compensation in Egyptian Law. *Cairo University Legal Journal*, 12.
- Ahmadvand, V. (2003). Effects and Rules of the Clause for Determining Damages Resulting from Delay and Non-Performance of Obligations in Iranian Law: A Comparative Study in English Law. *Legal Research Quarterly*, 19, 5-32.
- Bigdeli, S., & Sadeghian, E. (2015). Foundations and Differences in Enforcement of Non-Performance of Contractual Obligations in Iranian Law, Imamiyyah Jurisprudence, and French Law. *Legal Teachings Journal Gowah*, 1, 15-35.
- Emami, S. H. (2010). *Civil Law* (Vol. 1). Islamieh Publications.
- Faraj al-Sadda, A. (1974). *Theory of Contracts in Arab Countries' Laws*. Dar al-Nahda al-Arabiya for Printing and Publishing.
- Gharavy Naeini, M. H. (1994). *Minyat al-Talib fi Hashiyat al-Makasib* (Vol. 2). Al-Maktabah al-Muhammadiyah.
- Katouzian, N. (2008). *General Rules of Contracts* (Vol. 4). Sherkat Sahami Enteshar.
- Katouzian, N. (2014). *General Theory of Obligations*. Mizan Publishing.
- Katouzian, N. (2020). *General Theory of Obligations*. Mizan Publishing.
- Mohammad, A. (2020). Punitive Damages in Egyptian and French Law. *Journal of Law and Economics*, 15.
- Sanhoury, A. A. (2012). *Sharh al-Qanun al-Madani, al-Nazariyah al-Aammah lil-Iltizamat, Nazariyat al-'Aqd* (Vol. 2). Khorsandi Publishing.
- Sanhoury, A. A. (2019). *Al-Wasit fi Sharh al-Qanun al-Madani*. Dar al-Nahda al-Arabiya.
- Shahavand, T., Sayah, R., & Moradi, R. A. (2023). Explanation of Types of Damages Resulting from Non-Performance of Obligations in Iranian Law, Egypt, and Islamic Jurisprudence. *Jurisprudential Islamic Foundations*, 16(1 (Serial No. 31)), Spring & Summer.
- Tabatabai Yazdi, M. K. (2000). *Hashiyat al-Makasib* (Vol. 2). Esmaeilian Institute.
- Tahmasebi, A. (2018). Comparative Study of the Obligation to Perform the Exact Commitment and Termination of Contracts in Iranian and German Law. *Comparative Legal Research*, 22(1).
- Yazdani, A. (2021). Review of the Performance of Obligations with Property Belonging to Others in Iranian Law. *Legal Research Quarterly*, 48.